

بسم الله الرحمن الرحيم

علاقیت ارتباطی از رسائل تاپسامدرنیتہ

دکتر نسیم مجیدی قهرودی
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد

مریم فروغی
دانشجوی دکتری

سرشناسه	: فروغی، مریم، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: عقلانیت ارتباطی از رنسانس تا پسامدرنیته / مریم فروغی، نسیم مجیدی قهرودی.
مشخصات نشر	: تهران : هزاره ققنوس ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۶ ص. : ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۶-۱۶۳-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: فراتجدد
موضوع	: Postmodernism
موضوع	: عقل‌گرایی
موضوع	: Rationalism
موضوع	: کنش اجتماعی
موضوع	: Social action
شناسه افزود	: مجیدی قهرودی، نسیم، ۱۳۲۶ -
رده بندی ک. ر. ه	: ۱۳۹۵ ۷ع۴ف/۸۳۱/۲B
رده بندی دیویی	: ۱۴۹/۹۷
شماره کتابشناسی	: ۲۲۷۹۶۶۶



انتشارات هزاره ققنوس

عقلانیت ارتباطی

از رنسانس تا پسامدرنیته

□ نویسنده : مریم فروغی - دکتر نسیم مجیدی قهرودی

□ ناشر: انتشارات هزاره ققنوس

□ طراح جلد: آتیلیه هزاره ققنوس

□ قیمت: ۱۹۲.۰۰۰ ریال

□ شمارگان: ۲۲۰ نسخه

□ لیتوگرافی و چاپ : آتیلیه سفیر

□ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

□ شابک: ۴ - ۱۶۳ - ۲۸۶ - ۶۰۰ - ۹۸۷

□ وب سایت www.nashrehezare.ir

تهران: خیابان انقلاب - خیابان رامسر - پلاک ۱ واحد ۵ تلفن: ۸۸۳۱۷۸۳۲

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۵.....	فصل اول / یونان باستان و رنسانس
۱۷.....	نزاع بین عقلانیت های گوناگون در یونان باستان
۱۹.....	نظور عقلانیت در دوران مسیحی
۲۱.....	رنسانس
۲۲.....	ویژگی های عصر رنسانس
۲۳.....	رنسانس و بازگشت به متن خدیشیاد متافیزیک یونانی
۲۶.....	تبیین آرا و عقاید ارتباطی در رنسانس :
۲۶.....	۱- امانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴):
۲۷.....	۲- مارتین لوتر (۱۹۲۹-۱۹۶۸):
۲۷.....	۳- جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴):
۲۸.....	۴- رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰):
۳۰.....	۵- لرد هربرت انگلیسی:
۳۱.....	۶- فردریش هگل (۱۸۳۱-۱۷۷۰):
۳۶.....	۷- مقاومت های کلیسا:
۴۲.....	جامعه قرون وسطی در تحول
۴۳.....	انسانگرایان و فرهنگ
۴۵.....	تقسیم بندی رنسانس
۴۵.....	انقلاب فکری دکارت
۴۹.....	فصل دوم / عقلانیت در مدرنیته
۵۱.....	مدرنیته

۵۴.....	گونه‌شناسی منتقدان عقلانیت مدرن
۵۶.....	بررسی مفهوم مدرنیته از دیدگاه هابرماس
۷۰.....	مدرن بودن چیست و رهاورد مدرنیته کدام است؟
۷۲.....	عقلانیت و مدرنیته
۸۰.....	۱- سریالیست‌های آلمانی
۸۱.....	۲- گیتستان سیالیست‌ها
۸۳.....	۳- مارکس و رور
۸۵.....	دیلتای
۸۶.....	نیچه
۸۷.....	هوسرل
۸۸.....	هایدگر
۹۰.....	نومارکسیست‌ها یا مکتب فرانکفورت
۹۱.....	مدرنیزاسیون به عنوان عقلانیت
۱۰۱.....	نگاهی به مفهوم عقلانیت در اندیشه ماکس وبر
۱۰۵.....	وبر و علم
۱۰۶.....	پارتو (۱۸۴۸-۱۹۲۳):
۱۰۹.....	ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰):
۱۱۶.....	وبر و تفکر پست مدرن
۱۱۹.....	اگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷)
۱۲۳.....	فصل سوم / عقلانیت در پساامدرنیته
۱۲۵.....	پساامدرنیته یا پست مدرنیته
۱۲۷.....	معنای فارسی
۱۲۹.....	مفهوم چند وجهی

۱۳۰	 رتباط با سایر مکاتب فلسفی
۱۳۱	 چهارچوب
۱۳۲	 اصول پست مدرنیسم
۱۳۴	 جریانهای پست مدرن
۱۳۵	 ماهیت فدا فی پست مدرنیسم
۱۳۸	 ماهیت سیاسی پست مدرنیسم
۱۳۹	 پست مدرنیسم و ...
۱۴۷	 چهره های شاه صر پست مدرنیسم
۱۴۸	 دیدگاه میشل فوکو در پست مدرن (۱۹۲۸-۱۹۸۴)
۱۵۱	 دیدگاه ژان فرانسوا لیوتار و پست مدرن (۱۹۲۴)
۱۵۷	 ژان بودریار پسا مدرنیته و پساسانتاربرائی (۱۹۲۹-۲۰۰۷):
۱۶۰	 دنیای ترسیمی بودریار
۱۶۱	 مصرف گرایی پست مدرن
۱۶۵	 فصل چهارم / عقلانیت ارتباطی
۱۶۷	 عقلانیت
۱۶۹	 مفهوم عقلانیت و هنجاری بودن
۱۷۰	 عقلانیت ابزاری
۱۷۱	 عقلانیت اخلاقی
۱۷۱	 عقلانیت انتقادی
۱۷۳	 عقلانیت ارتباطی
۱۷۳	 ریشه های عقلانیت ارتباطی هابرماس
۱۷۶	 عقلانیت ارتباطی
۱۷۸	 موازن عقلانیت ارتباطی

۱۹۰	تلخیص آرای هابرماس
۱۹۵	از عقلانیت ابزاری "ویر" تا عقلانیت ارتباطی "هابرماس"
۱۹۵	کنش ارتباطی و کنش راهبردی
۲۰۵	یکی انعکاس، و دیگری کنش یا عمل
۲۰۷	هابرماس و فوکو
۲۱۴	عوز عمومی در اندیشه هابرماس
۲۲۰	کنش ارتباطی
۲۲۳	فصل پنجم/مقتضیات نظریات هابرماس
۲۲۵	ایرادهایی بر رویکرد هابرماس
۲۳۱	انتقادات بر هابرماس
۲۴۰	رویکرد اپل و نقد او بر هابرماس
۲۴۳	فصل ششم/تحلیل نظریات اندیشه‌های ارتباطات
۲۵۰	تحلیل و تفسیر
۲۵۹	منابع

پیشگفتار:

ایده اصلی کتاب حاضر از فقرید طرح جامع و کلی درخصوص جایگاه عقلانیت و تکامل آن بصورت عقلانیت خلاقیت ارتباطی در علوم ارتباطات است.

اثر در شش فصل نگارش یافته که عناوین این فصول عبارتند از:

فصل اول / یونان باستان و رنسانس

فصل دوم / عقلانیت در مدرنیته

فصل سوم / عقلانیت در پسامدرنیته

فصل چهارم / عقلانیت ارتباطی

فصل پنجم / منتقدین بر نظریات هابرماس

فصل ششم / تحلیل نظریات اندیشمندان ارتباطات

سوال اساسی نویسندگان در این اثر بررسی جایگاه عقلانیت ارتباطی در گسترش حوزه عمومی از دیدگاه نظریه پردازان مدرنیته و پسامدرنیته است. نویسندگان از روش شناسی کیفی ماکس وبر برای انجام پژوهش‌های مرتبط با کتاب سود برده اند و در انتها نیز از روش تحلیل ساختار کمک جسته اند.

فصول کلی این کتاب شامل تحولات تاریخی از تاریخ یونان باستان ، دوران
تطور مسیحیت و تبیین آراء در دوران مسیحیت ، اصلاح دینی ، روشنگری و
انقلاب فکری درخصوص عقلانیت است.

البته تعریف مدرنیته نیز از دید نویسندگان دور نمانده و ایشان درباره
مدرنیته مانند تعریف مدرنیسم و دستاوردهای علمی نوین و پیامدهای
مدرنیته و بحران آن درخصوص مدرنیته و عقلانیت هم سخن گفته اند.

هر چند به نظر می رسد نویسندگان در بخش هایی از کتاب از نظرات و تفکرات
هابرماس استفاده کرده اند اما آبشخور تحقیقات نویسندگان بیش از این ها بوده
است.

بی تردید نوشته سردار خانم فروغی و مجیدی مولفان و گردآورندگان این
کتاب خالی از اشکال نخواهد بود اما به همین نکته بسنده می کنم که تحقیق و
نوشتار ایشان در نوع خود پژوهش است. امید که اساتید ، پژوهشگران و
دانشجویان حوزه علوم اجتماعی با کارش نقد و نظر بر این اثر موجبات غنای
هرچه بیشتر آن را فراهم آورند/.

دکتر سیدوحید عقلی

رئیس دانشکده مطالعات و علوم رسانه

مقدمه

سیر مطالعه عقلانیت ارتباطات ریشه در فلاسفه پیشین دارد که شاخصه های این فلاسفه: مارکس^۱ و منتقدین اندیشه او در کتب فرانکفورت^۲ همچون مارکوره، هورکهایمر و وبر^۳ بودند که در نهایت به زایش عقلانیت ارتباطی^۴ توسط هابرماس^۵ انجامید.

طبق نظر هابرماس ارتباط از طریق زبان ضرورتاً مستلزم مطرح کردن ادعای اعتبار مشخصاً حقیقت، عقلانیت، مسأله است که وضع آن را به هنگام اختلاف نظر، نهایتاً فقط از طریق گفتار می توان حل کرد. هابرماس علاوه بر این معتقد است که اهل یک زبان، شرایطی را که چنین گفتگویی در آن نتیجه ای واقعاً صحیح به بار می آورد کاملاً می شناسند و این شرایط را او بر حسب ویژگی های «وضعیت» مساوات طلبانه [و] «آرمانی گفتار»^۶ تعیین داده است. عقلانیت ارتباطی بر این نکته دلالت دارد که انسان این توانایی را دارد که در شرایطی

^۱ Marx

^۲ Frankfurt

^۳ Marcuse & Horkheimer & Weber

^۴ Communicative intellectuality

^۵ Habermas

نزدیک به این وضعیت آرمانی («گفتمان» در اصطلاح هابرماس) با هدف دستیابی به وفاق، به احتجاج بپردازد.

هابرماس بر مفهوم عقلانیت ارتباطی تکیه می‌کند تا این نکته را بیان دارد که آنچه اشکال دموکراتیک^۱ سازمان اجتماعی نشان از آن دارند، از اولویت‌هایی برخوردار است که سنت فرهنگی و سیاسی فراتر است. در دیدگاه او، کنش-گفتاری را بدون اتخاذ موضع در قبال ادعای اعتباری که پیش می‌کشد، حتی نمی‌توان فهم کرد. و این موضع به نوبه خود گفتگویی رها از قیود را تدارک می‌بیند که وضعاین ادعا را مشخص می‌سازد. بنابراین، ترتیبات اجتماعی و سیاسی مانع چنین گفتگویی را از موضع ناخودآگاه از هرگونه تعهد ارزش خاص می‌توان به نقد کشید، چون طبق نظر هابرماس، نه به توافق^۲ یا هدفی است که برای زبان انسانی، امری ذاتی است. برنامه فلسفی مشابهی را کارل-آتو آپل نیز مطرح کرده است؛ او بر ویژگی‌های استعلایی «احتجاج»^۳ بیشتر تأکید می‌کند.

یورگن هابرماس متفکر برجسته نسل دوم مکتب فرانکفورت، مفهوم عقلانیت ارتباطی را بدین منظور مطرح ساخت تا آنچه را که نقصان «هنجاری» کار متفکران اولیه این سنت می‌انگاشت برطرف کند. این نقصان از جمله، فقدان هرگونه مبنای روشن فلسفی برای نقد جامعه مدرن بود.

^۱ Democratic

^۲ (Verständigung) «telos»

^۳ Sophistry

هابرماس تصریح می‌کند که شرکت‌کنندگان در کنش ارتباطی باید بتوانند اظهارات مطرح شده در جریان گفتگو را از منظر اعتبارشان بنگرند، و باید هم در باب شیوه‌های مناسب حل و فصل موارد اختلاف بر سر ادعای اعتبار و هم در باب شرایطی (که همواره ضدواقعیت است) که در آن پیگیری چنین شیوه‌های نتیجه واقعاً صحیحی به بار می‌آورد شناخت کامل داشته باشند. برای مثال، وقتی که بدین‌دن به اعمال فشار پنهانی، وفاقی را که قبلاً حاصل شده بود بی‌اعتبار می‌سازد این شناخت بسیج می‌شود.

در سنت فلسفه غرب مفهوم عقلانیت برای مدتی مدید با قوه تامل و آرایه دلیلی برای باورها و کنش‌های ناشی از آنها مرتبط بوده است. وانگهی در فلسفه مدرن، غالباً فقط باورهای قادر به عینیت کنش هدف محورند که نامزد مفهوم عقلانیت قلمداد می‌شوند. در مقابل، هابرماس اظهار می‌دارد که [آن] نوع کنشی که محور آن، نیل به توافق در زبان است، قابل تقلیل به کنشی نیست که محور آن را مداخله موفقیت‌آمیز در دنیای عینی شکل می‌دهد. رسیدن به اهداف کنش-گفتاری به جز آنها که به سبک بیان مربوطند از طریق همکاری ممکن است؛ این امر بستگی به این دارد که دیگران، ادعاهای متکلم را چقدر به اعتبار را آزادانه بپذیرند؛ این، چیزی بیش از معلولی است که بتوان به طور مکانیکی آن را ایجاد کرد. از این رو قوه نیل به وفاق از طریق پیش نهادن ادله، شکل متمایزی از عقلانیت را نشان می‌دهد که «در شیوه ارتباط روزمره وجود دارد» و هابرماس بدین لحاظ آن را «عقلانیت ارتباطی» می‌نامد.

هابرماس تعبیر حوزه عمومی را در اطلاق به عرصه ای اجتماعی به کار می برد که در آن افراد از طریق مفاهمه و استدلال مبتنی بر تعقل و در شرایطی عاری از هرگونه فشار، زور و در شرایط برابر برای تمام طرف های مشارکت کننده مجبور به ای از رفتارها، مواضع و جهت گیری های ارزشی و هنجاری را تولید می کنند.

آنچه موجب جلب نظر هابرماس به مقوله حوزه عمومی^۱ شده است، اهمیت این مفهوم به عنوان اساس نقد جامعه مبتنی بر اصول دموکراتیک بوده است. حوزه عمومی عرصه ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می آیند. از نگاه هابرماس حوزه عمومی به معنی دقیق کلمه عرصه ای است که هیچ حد و حصری بر فعالیت آن وضع نشده باشد، حوزه عمومی حوزه عقلانی^۲ و حقیقت یاب و حقیقت ساز جامعه است.

این حوزه، عرصه فکر، گفت و گو، استدلال و نیاز است. شرایط مکالمه باز و آزاد در حوزه عمومی متضمن این اصل است که هیچ فرد یا گروهی نمی تواند در خارج از این حوزه (یعنی در عرصه قدرت) مدعی شجاعت بهتر خیر و صلاح جامعه باشد. پاسخ به پرسش هایی از این قبیل که آزادی، عدالت، برابری، عقلانیت و جزء آن چیست تنها در حوزه عمومی هر جامعه ای ممکن است داده شود و مورد پذیرش و باور قرار گیرد.

^۱ public domain

^۲ Intellectual domain

در دنیای عقلانیت، حوزه عمومی بر می‌گردد به مباحث مدنی و اصلی‌ترین ارادایم حاکم بر جامعه گفتگوی دو سویه است و برای رسیدن به مولفه‌های تاثیر گذار قابل بررسی است که باید از جامعه ارتباطی بهره گرفت جامعه ای که ارادایم حاکم بر گفتمان آنرا دانش، اطلاعات شکل میدهد و با فریه شدن اطلاعات روابط از سطحی متعالی تر برخوردار میشود. پس برای رسیدن به جامعه مطلوب باید جامعه آگاه و عقلانی شکل بگیرد. عقلانیت ارتباطی و یا بهتر فلسفه ارتباطی در حوزه ارتباطات هنوز جایگاه خود را باز نکرده است.

وقتی سیر تاریخی «نیابت‌ها» را در ره می‌کنیم مقوله فلسفه ارتباطات در ایران وجود ندارد و یا کمتر وجود دارد. همان‌طور که مارکس معتقد است لازم میدانم بتوانم با سیر تاریخی و قیاس با فلاسفه و همچنین چگونگی استفاده این فلسفه برای تغییر کنش‌های ارتباطی بتوانیم برای تاثیر گذاشتن بر کنش‌های ارتباطی سود بجویم نه برای تفسیر بلکه با تکیه بر عقلانیت ارتباطی که حضور آن در جامعه آکادمیک بسیار کم رنگ می باشد.

با توجه به گسترش ارتباطات دیجیتالی و تغییر کنش‌های ارتباطی یکسویه به چند سویه کنش‌های رفتاری دستخوش تغییر می گردد، چرا که این تغییر به ماهیت ارتباطات باز می‌گردد قبل از بسط و توسعه ارتباطات دیجیتالی نوعی عقلانیت ابزاری که کنشی یکسویه و منفعت طلبانه بود در فضاهای ارتباطی حاکم بوده. با این ذهنیت بررسی فلسفه ارتباطی عقلانی در چنین ساختاری حائز اهمیت است.